



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۲۲

برای یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱ - ۶ مهر ۱۳۹۰

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: siavash_d@yahoo.com

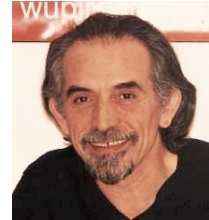
سردبیر: سیاوش دانشور



برده داری مزدی مدرن مرگ تدریجی میلیون ها انسان!

صفحه ۱۶

آذر ماجدی



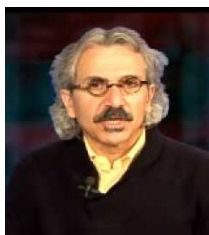
یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

اعتصاب کارگران پتروشیمی

امنیت شغلی یک خواست محوری کارگران است

"دمکراسی حقیقی"



"دوران تلاطمات تاریخساز جهانی، دوران تعرض مستقیم کمونیستی"

صفحه ۴

بخش دوم

شما علیه انقلاب هستید و ما علیه ضد انقلاب!

صفحه ۶

حبیب نصوحی



اعدام قتل عمد دولتی است

در باره اجتماع برای تماشای جنایت اسلامی

صفحه ۷

پدرام نواندیش



در حاشیه خلع سلاح باند موسوم به سازمان زحمتکشان

(شاخه عمر ایلخانی زاده)

صفحه ۹

عطا یار احمدی

در صفحات دیگر: تظاهراتهای ۱۰ اکتبر، کارگران توسعه و معادن تهران، کارگران آرم فرم، کارگران آربین فرآیند، کارگران مدیریت تجهیزات پزشکی، کارگران توسعه و تامین پرشیا، خانه حزب در کلن و گوتنبرگ، گزارشی از تورنتو، سیاست نهادینه کردن اعدام، قطعنامه شوراها و ...

قرار است روز ۱۵ اکتبر معترضین به نظم موجود بار دیگر میدانها و خیابانها را تسخیر کنند و با اعتراضی "مسالمت آمیز" خواهان "دمکراسی حقیقی" شوند. در دوره اخیر بویژه در اسپانیا، یونان، و بعضا در فرانسه عبارات "رنال دمکراسی" و "دمکراسی حقیقی" مطرح شد و بلافاصله توسط جریانات چپ غیر کارگری به پلاتفرم و هدفی درخود تبدیل شد.

زمینه طرح این شعار شکل گیری سنت التحریر در کشورهای مختلف جهان بود. سنتی که به عمل مستقیم توده ای تکیه داشت و در یونان و اسپانیا تا نقد پارلمان و چهارچوبهای پارلمانی پیش رفت. در این اعتراضات بر این نکته تاکید شد که پارلمان، چه قدرت در آن در دست جناح چپ و یا راست طبقه حاکم باشد، نهادی برای حراست از منافع سرمایه داران و بانکداران است. نهادی است که علیه منافع محرومان قانون تصویب میکند. نهاد دزدها و سخنگویان سرمایه داری است. در مقابل، معترضین بر اجتماعات خیابانی و برپائی التحریرها، بر تصمیم گیری توده ای و عمل مستقیم، و بر قدرت در پائین تاکید کردند. نفس این مضمون اجتماعی و نفس این نقد به پارلمان و دمکراسی بعنوان نهادی بورژوازی یک گام بزرگ به پیش بود. نفس اینکه در تظاهراتها شعار "سرمایه داری پاسخگو نیست" بیشتر به چشم خورد یک گام به پیش بود. اما عنوان "دمکراسی حقیقی" برای این تقابل اجتماعی شدت گمراه کننده است.

این روشن است که در اذهان بیشتر معترضینی که در میدانها جمع میشوند و علیه حذف خدمات اجتماعی و سیاست مجازات جمعی ریاضت اقتصادی شعار میدهند، سرمایه داری بی اعتبار است. صفحه ۲

"دمکراسی حقیقی" ...

روشن است که وضع امروز علیرغم وعده های سران طبقه حاکم در اذهان مردم به گذشته تعلق دارد اما به همان اندازه آینده و نقشه راه آن روشن نیست. هنوز هدف روشنی که باید متحقق شود به راس اعتراضات توده ای رانده نشده است. هنوز شعار روشنی که چکیده اعتراض جهانی علیه سرمایه داری باشد طرح نشده و یا توده گیر نشده است. مردم کارگر و زحمتکش تلاش دارند در تعیین سرنوشت و سهم خود از دنیای امروز نقش ایفا کنند. مردم به حکومتها و سیستم کنونی اعتمادی ندارند و تتمه روحیات قانونگرایانه لیبرالی بدلیل واقعیات سرسخت سیاسی و اقتصادی فرو ریخته است. این تغییر ریل و شیفت مهمی در قلمرو سیاست و برآیند افکار عمومی است اما هنوز آوار تبلیغات آنتی کمونیسم بورژوازی اجازه نمیدهد که به هدفی متمایز از کل وضع موجود ترجمه شود. "رنال دمکراسی" و یا "دمکراسی حقیقی" از یکسو محصول این تناقض است و از سوی دیگر محصول چهارچوب فکری و انتقادی ای است که هنوز میخواید دمکراسی را کش بدهد. به عبارتی دیگر کسانی که این عناوین را تئوریزه میکنند، علیرغم نقدشان به پارلمان و سیستم دمکراسی موجود، در موضع اجتماعی یکسانی با بستر اصلی دمکراسی ایستاده اند.

حقیقت اینست که دمکراسی در دنیای امروز همین است و بسادگی اراده اکثریت را لگد مال میکند. دمکراسی معنی کتابی و "اصیل" ندارد و نسخه ای برای تمام فصول نیست. دمکراسی مانند هر مقوله دیگر مضمونی تاریخی دارد و در هر دوره معنای مشخص و ابژکتیو و کنکرتی دارد. اگر برای روشنفکر "جهان سومی" و طبقات ناراضی غیر کارگری در این کشورها که بجز اختناق تجربه ای ندارد، دمکراسی نهایت آرمانخواهی است، اگر برای جنبش رفرومیستی و اصلاح طلب در کشورهای سرمایه داری غربی نقد دمکراسی به محدودیتهای سیستم سیاسی موجود خلاصه میشود، برای طبقه کارگر که قرار است بار بحران اقتصادی را بدوش بکشد و حال و آتی اش در این جهنم نابود شود، مسئله اساسا فرق میکند.

ما باید بسادگی درک کنیم و از نظر سیاسی این واقعیت مهم را برسمیت بشناسیم که شیفت تدریجی در جوامع غربی از قانونگرایی و اصل اصالت

دولت و قانون و پارلمان به اعلام بی اعتباری نظم کنونی و اعلام بی اعتمادی به نمایندگان سیاسی بورژوازی یک دستاورد بسیار مهم است. دستاوردی که در یک شرایط نسبتا متعارف بسادگی متحقق نمیشود و تنها در متن بحران عمیق جهانی و تحولات تاریخساز است که بارقه های این تغییر ریل مهم ممکن شده است. از نظر سیاسی درک این موضوع بویژه برای کمونیستهای پراتیسین نکته بسیار مهمی است. اما همزمان باید درک کرد که اتکا کردن به ابزارهای ایدئولوژیک طبقات دارا، گیریم در زبان چپ، تنها میتواند جنبش اعتراضی کنونی را به مسلخ بورژوازی برسد. این ابزارهای ایدئولوژیک بورژوازی تماما علیه جنبش طبقه ما و اهداف انسانی و آزادیخواهانه آنست. نباید ادا دچار توهم و خوشبینی شد.

"رنال دمکراسی" و "دمکراسی حقیقی" در کنار تاکید بر مبارزه "مسالمت آمیز" چهارچوب ایدئولوژیکی است که نهایتا از محدوده جناح چپ طبقه حاکم فراتر نمیرود. چهارچوبی که از رادیکالیسم اجتماعی موجود وحشت زده است و تلاش دارد قالبی برای کنترل آن در مرزهای سرمایه داری طرح کند. این نقطه سازش را باید در هم شکست. اولاً مبارزه کارگران و توده مردم اساسا مسالمت آمیز است. مردم و کارگران شعار میدهند، خواست شان را طرح میکنند، اعتصاب میکنند، کارخانه اشغال میکنند، خواهان برکناری سران و مدیران فاسد هستند، حقوق و رفاه و حرمت میخواهند، و بطریق سیاسی برای اهدافشان نیرو بسیج میکنند. پاسخ بورژوازی نه فقط در ایران و مصر و ترکیه بلکه در اسپانیا و فرانسه و انگلستان توحش و گلوله و سرکوب و وضع قوانین اضطرابی است. خشونت ذات این نظام و جوهر عملکرد سرمایه و سیستم حقوقی و سیاسی و پلیسی آنست. تقابل با این خشونت و پس زدن آن، تلاش برای درهم شکستن این چهارچوب به نفع موازینی آزاد و پیشرو و انقلابی و انسان محور عین حقانیت است. کسانی که میخواهند تحت عنوان مرزبندی با آنارشیسیم و اخیرا با تبلیغات کثیف "مقابله با گانگسترها" و "گروه

های فرصت طلب" اساس مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه را زیر سوال ببرند، همان چپ های مشاور بورژوازی راست کنسرواتو هستند که در جریان رویدادهای لندن و بیرمنگام و تاتنهام کنار براون ایستادند. همانها که با تز "آنتی امپریالیسم" کنار خمینی و مقتدا صدر و احمدی نژاد و طالبان و قذافی و بشار اسد ایستادند و چه بسا فردا کنار فاشیسم در مقابل کارگر و جنبش کمونیستی طبقه کارگر قرار گیرند. جنبش ضد سرمایه داری ضروری است خود را از این توهمات بترکاند و با شعارها و سیاستهای روشن خود بعنوان یک نیروی آلترناتیو و برای تغییر وضع موجود بمیدان بیاید. سوسیالیسم و کمونیسیم بدرجه زیادی آزادیخواه هست که نیازی ندارد به قالبهای دست راستی دمکراسی آویزان شود و بدهکاریش به بورژوازی را بعنوان پلاتنفرم اعلام کند.

طبقه ما باید در اعتراضات جاری کنونی و نبردهای آتی بسادگی منافع و سیاستهای خود را طرح کند و همانی را بگوید که نمیخواهد و همانی را بخواهد که تضمین کننده منافع واقعی اش است. ما کارگران بارها اعلام کرده ایم هزینه بحران سرمایه داران را نمیبپردازیم. ما علیه تهاجم وحشیانه و سیاست موسوم به صرفه جوئی و اعمال مجازات جمعی اقتصادی و اجتماعی بورژوازی فریاد زده ایم. ما اعلام کرده ایم که نباید سود بر انسان مقدم باشد. ما گفته ایم که سیستم مبتنی بر سود سرمایه داران و فقر اکثریت را قبول نداریم. ما بر ناتوانی سرمایه داری و توهم دمکراسی در اعتراضات مختلفی سخن گفته ایم. ما بر نفی پارلمان و انتخاب بین طاعون و وبا بعنوان راه حلی اسارتبار حرف زده ایم. ما بطور عینی ماهیت پلیسی دمکراسی در دوره بحران را با گوشت و پوست لمس کرده ایم.

شعارهای سلبی جنبش ما وجه ایجابی و اثباتی روشنی دارد. پاسخ سیاست

"دمکراسی حقیقی" ...

اعمال فقر بورژوازی خواست رفاه همگانی است. پاسخ سیاست دیکتاتوری پلیسی و بیدادگاههای دمکراسی لیبرال، آزادی و نفی پایه های دیکتاتوری سرمایه است. پاسخ شعار نفی پارلمان و دمکراسی نیابتی بورژواها حکومت کارگری و نظام سیاسی مبتنی بر شوراها است. پاسخ جامعه طبقاتی و دره عمیق فقر و ثروت جامعه ای مبتنی بر نفی طبقات است. پاسخ اعتراض به سیاستهای دولتهای بورژوائی در دفاع از امتیازات سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار و مولتی میلیاردرها خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم است.

پاسخ بحران عمیق جهان سرمایه داری، که به اعتراف سران بانک جهانی و سخنگویان وقیحی چون براون و سارکوزی و مرکل که سقوط اقتصاد جهانی را نوید میدهند، نفی نظام سرمایه داری در کلیت آنست. پاسخ نظامی که در اوج ثروت و تکنولوژی و توانایی بشر بجز محرومیت و فقر و سرکوب ارمغانی ندارد، سوسیالیسم است.

مصافهای کنونی باید به سازمان و شعار و سیاست درخور و ضروری متکی شود. باید سرمایه داری را بعنوان یک نظام سیاسی - اقتصادی و یک مناسبات اجتماعی و حقوقی در کلیت آن زیر حمله قرار داد. اوضاع کنونی پاسخی جز سوسیالیسم یعنی نظام اقتصادی متکی بر تولید برای رفع نیاز همگان و سیستم سیاسی شورائی متکی بر دخالت مستمر شهروندان آزاد برای اداره امور خود ندارد. *

اعتصاب کارگران پتروشیمی امنیت شغلی یک خواست محوری کارگران است

بنا به اخبار منتشر شده مجدداً هزاران کارگر قراردادی مجتمع پتروشیمی بندر امام دست به اعتصاب زدند و وارد چهارمین روز اعتصاب خود شدند. خواست کارگران حذف شرکتهای انگل و واسطه پیمانکاری، حذف کار قراردادی و انعقاد قراردادهای مستقیم و استخدام رسمی توسط شرکت پتروشیمی است. این اعتصاب بدنیاال اعتصاب کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر در فرورین سال جاری و وعده کارفرما برای رسیدگی به خواست کارگران و به موکول محال کردن این وعده صورت میگیرد.

حذف شرکتهای پیمانکاری در قلمرو استخدام و انعقاد قرارداد سالهای گذشته توسط حکومت اسلامی بعنوان یک قانون تصویب شده اما اجرای این قانون بنا به منافع و سودجویی پیمانکاران که عمدتاً خود سران حکومتی و روسا و سهامداران و مدیران صنایع بزرگ هستند به تاخیر می افتد. سرمایه داران و قوانین ضد کارگری شان عملاً دستمزد ناچیز کارگران را تکه تکه کرده و بخشهایی از آن را بعنوان مختلف نمپردازند. این بخش دستمزد در مورد کارگران غیر رسمی و پیمانی تماماً بالا کشیده میشود و کارگران قراردادی بخشی از دستمزد واقعی خود را در قیاس با کارگران استخدامی از دست میدهند و مجموعاً این هزینه به جیب گشاد سرمایه داران میرود.

واقعیت اینست که خواست استخدام مستقیم و رسمی همراه با مزایا و دستمزد مناسب یک خواست محوری کارگران در بخشهای مختلف صنعتی ایران است و تحمیل آن به جمهوری اسلامی و بویژه اجرائی شدن آن در گرو یک تلاش گسترده و متحد و همزمان کارگران است. با اینحال هر پیروزی و هر مبارزه در هر مرکز کارگری و زیر نور قرار دادن این خواست و خواستهای دیگر به گسترش این اعتراض برحق کمک میکند. یک راه الغای کار قراردادی و استخدام رسمی و مستقیم کارگران توسط شرکتهای نفت و گاز و پتروشیمی ها و ماشین سازیها و صنایع فولاد و غیره اینست که اعتصابی اخطاری و هماهنگ دستکم در تعدادی از مراکز مهم کارگری حول این خواست صورت گیرد و طی دوره ای اعتصابات زنجیره ای خواست امنیت شغلی را در چهارچوبی که کارگران مطرح میکنند تحمیل کرد. بویژه باید در دل این اعتصابات دخالت توده کارگران و اعتراض جمعی کارگران را با اتکا به مجمع عمومی تضمین کرد و پایه های ایجاد شورای کارگری را گذاشت.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از اعتصاب متحدانه و خواست برحق کارگران پتروشیمی حمایت میکند. پیروز باد مبارزه متحد کارگران پتروشیمی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۶ مهر ۱۳۹۰ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون "خطر" سوسیالیسم،

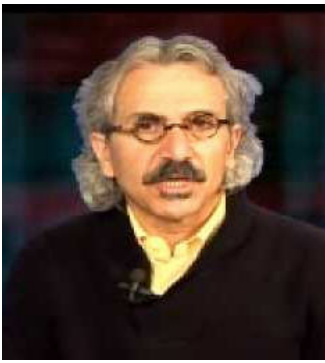
به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/



باشند؟

علی جوادی: نکته بسیار مهمی را مطرح کردید. بیانیه اشاره کرده است که یکی از مشخصات دوران پیشین، این است که ناسیونالیسم، چه از نوع "چپ" و چه از نوع راستش، تحرک چندانی در این شرایط ندارند. تأثیر چندانی بر اوضاع سیاسی ندارند. ما شاهد این نیستیم که ناسیونالیسم با ایجاد تفرقه، با تبلیغ برتری ملی و قومی، با تبلیغات زهر آگین ملی توانسته باشد، توده های مردم معترض را زیر چتر خود گرد آورده باشد. و یا اینکه بخشهای قابل ملاحظه ای از مردم معترض این پرچم اعتراضی و خصوصیات را از آن خود کرده باشند. اتفاقاً پدیده ای را که مشاهده میکنید همبستگی بین المللی است. همبستگی و نوعی انترناسیونالیسم. مردمی که در مقابل "ملت" دیگر صف نکشیده اند، مردمی که خود را از قرار با شاخص های ملی و قومی تعریف نمیکند.

شاید با قدرت بتوان گفت که در طول تاریخ بشریت ما شاهد چنین اعتراضات زنجیره ای و در چنین ابعاد گسترده و با چنین خصوصیتی نبوده ایم. اینکه در طول زمانی کوتاه در جوامع متعددی ما شاهد اعتراضاتی باشیم که در جوهر خود یکسانند، اعتراضاتی که حکومتهای مختلف سرمایه را زیر ضرب گرفته باشند، اعتراضاتی که فریادهای مشابهی را سر بدهند، مشاهده نشده است. به اعتراضات در مصر و تونس و بعضاً در لیبی و یمن

صفحه ۵

"دوران تلاطمات تاریخساز جهانی، دوران تعرض مستقیم کمونیستی"

بخش ۲

گفتگوی رادیو صدای کمونیسم کارگری با علی جوادی پیرامون بیانیه کنفرانس کادرهای حزب*

چه در شورشیهای اعتراضی مطرح میکنند، این پرچم اعتراضی را باید در جلو صحنه داشته باشد. متأسفانه هنوز اینطور نیست. متأسفانه هنوز در جوامع متفاوتی این جوهر وجودی مادیت و انسجام لازم را پیدا نکرده است. تحزب پیدا نکرده است. سیاست و پرچم روشن خودش را پیدا نکرده است. و این وظیفه جنبش ما، جنبش کمونیسم کارگری است که با تشدید تلاش خود، پیروزی را تعریف و عملی کنیم، راه پیشروی را تعریف و روشن کنیم.

ما یک وظیفه تاریخی بر عهده داریم. به همان میزان که تلاطمات سیاسی پیش رو در سطح جهان تاریخی و دورانساز هستند، به همان میزان وظیفه ای را که کمونیسم کارگری در مقابل خود دارد و رسالتی را که باید به سرانجام برساند، تاریخی تر و پر اهمیت تر است. اما همین جا باید تأکید کنم که این کار آسانی نیست. موانع بسیاری در مقابل ماست. نیروهای بسیاری علیه جنبش و طبقه ما در حال آماده باشند. اما چنانچه بتوانیم این "نه" اعتراضی را به "آه" اعتراضی توده های کارگر و مردم زحمتکش تبدیل کنیم شاهد تغییرات بزرگ و زیبایی در جهان معاصر، که لجن از سر و رویش میریزد، خواهیم بود. تغییراتی که میتواند واقعا زیبا و دگرگون کننده و انسانی باشد. تغییراتی که تأثیرات بسزایی در زندگی انسانهای بسیاری خواهد داشت.

صدای کمونیسم کارگری: بیانیه اشاره میکند که تحولات این دوران ربط چندانی به ناسیونالیسم ندارد و در واقع در جوهر خود یک همبستگی جهانی را منعکس میکند. چرا؟ آیا جنبشهای ناسیونالیستی نمیتوانند در این دوران تأثیر گذار

حال عقب نشینی است. پراکنده است. راه حل مورد توافق و روشنی ندارد. سیاست ریاضت کشی اقتصادی اش زیر ضرب توده های مردم زحمتکش قرار دارد. امروز بورژوازی تحت تأثیر اعتراضات بی سابقه جهان معاصر خسته و سر در گم است. این واقعیت برای کارگر و کمونیسم نوید بخش و امیدوار کننده است. این دوران میتواند دوران تغییرات سرنوشت سازی به نفع کارگر و بشریت متمدن باشد.

صدای کمونیسم کارگری: شما اشاره کردید که جهان وارد دوران پرتلاطمی شده است، دستخوش تلاطمات سیاسی و اجتماعی مهمی شده است. سؤال من از شما این است که وظیفه کمونیستها و جنبش کمونیسم کارگری به طور مشخص در این دوران پر تلاطم چیست؟

علی جوادی: من سعی میکنم خلاصه پاسخ بدهم. در اساس وظیفه ما این است که بگوئیم آزادی بشر، رهایی بشر، تنها و تنها در صورت در هم شکستن مناسبات اقتصادی سیاسی استثمارگرانه نظام سرمایه داری ممکن است. این پاسخ، این "نه" اعتراضی، این "نه" به وضعیت موجود از جانب کمونیسم کارگری باید به "آه" اعتراضی توده های مردم و توده های کارگر تبدیل بشود. و علاوه بر این و مهمتر، مسئله این است که آن جنبش اعتراضی که به خیابان می آید، آن جنبشی که اعتراض خودش را چه در اشکال اعتراض خیابانی و چه در اشکال اعتصابی، چه در قیام،

صدای کمونیسم کارگری: اما بورژوازی آرام نمیشیند. مقابله خواهد کرد. آیا تدابیر جدیدی اتخاذ خواهد کرد که متناسب با مواضع و معضلات کنونی باشد؟ آیا با این موج اعتراضی مقابله خواهد کرد؟

علی جوادی: ببینید اینکه بورژوازی آرام نخواهد نشست و بزرگی دوران حاضر نیست. مسلماً آرام نخواهد نشست. این جانورانی که اسارت اقتصادی و انقیاد سیاسی را بر اکثریت عظیم مردم تا کنون تحمیل کرده اند، هیچوقت آرام نخواهند نشست. همواره، چه در روز آفتابی و چه در روز برفی، آماده سرکوب و تحمیل مردم هستند. دستگاه سرکوبشان، ماشین نظامی شان، دستگاه تبلیغات و تحمیل شان تماماً برای مقابله با چنین اوضاعی حدادی و آماده شده است. نتیجتاً مشاهده اقدامات سرکوبگرانه بورژوازی در هر دوره ای نکته خاصی در رابطه با بزرگی های اوضاع کنونی و مختصات آن دوران نمی گوید. واقعیت همیشگی بورژوازی این است. اگر غیر از این بود باید متعجب میشدیم. اما آن چیزی که امروز مورد توجه ماست، آن بزرگی ای است که دوران حاضر را از دوران قبلش متمایز میکند. تفاوتها را مشخص میکند. واقعیت مهم این است که جهان تغییرات چشمگیری کرده است. بورژوازی پراکنده و منشتت و بحران زده است. اعتراضات و اقدامات توده های مردم زمین زیرپایش را داغ کرده است. کارگر و مردم زحمتکش دارند اراده خودشان را تحمیل میکنند. این نیروی سوم است که در سطح جهان دارد اعمال اراده میکند. بورژوازی اساساً در حال عکس العمل و واکنش نشان دادن است. بعضاً در

های مردم تبدیل کرد. باید بر میناش سازمان داد. فراخوان ما به رهبران عملی کارگری و رهبران جنبش های اعتراضی آزادیبخش و برابری طلب این است. راه دیگری برای پیروزی به غیر از "نه" کمونیسم کارگری نیست. "نه" های موجود تماما رنگ و روغن زدن به وضعیت موجودند. درد بیکران توده های مردم را صرفا تمديد میکنند و تداوم می بخشند. برای تحقق آزادی، برای تحقق برابری، برای تحقق رفاه باید گام های بلندی برداشت. باید سازماندهی کرد. باید بسیج کرد. باید متحد کرد. باید پرچم کمونیسم کارگری را برافراشت.

- با تشکر از فخری جواهری و احمد بابایی برای انجام مصاحبه و پیاده کردن متن مصاحبه.

کارگران شرکت توسعه و معادن

3 ماهه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 100 نفر از کارگران شرکت توسعه و معادن دستمزدهای 3 ماهه تیر و مرداد و شهریور ماه را دریافت ننموده اند. در طی چندین روز گذشته "موسوی" مدیر شرکت و عواملش در جواب کارگران معترضی که خواهان دریافت دستمزدهایشان بوده اند با گستاخی گفته اند: ما کاری از دستمان بر نمی آید، اوضاع و احوال مالی و کاری در همه جا خراب است، از این بدتر هم در راه است. شما کارگران باید خودتان را برای روزهای سخت تر آماده کنید، هر کسی فکر میکند جایی بهتر از اینجا سراغ دارد بفرماید تسویه حساب کند.

آری، این جواب همه سرمایه داران و حکومت اسلامیشان به کارگران است. با استعمار وحشیانه، با نپرداختن دستمزدهای ناچیز، با قراردادهای موقت کار، با شرکتهای انگل پیمانکاری، با ارتکاب به هزار و یک جنایت در حق ما کارگران، با ادارات فرمایشی و مزدور کار و بیمه شان، با همه قوانین ضد کارگری و ضد انسانیشان این جهنم را به نام زندگی برای ما کارگران به پا داشته اند. با ایجاد شرایط سربازخانه ای کار و به قیمت بردگی و بیحقوقی و فقر مطلق و گرسنگی دادن ما کارگران و خانواده هایمان سران حکومت و سرمایه داران پولهای هنگفت و باد آورده به جیب میزنند. آنوقت پس از 30 سال کار و رنج و محرومیت به ما کارگران میگویند اگر ناراضی هستی، اگر جای بهتری سراغ دارید و مزخرفاتی از این دست، بفرمایید تسویه حساب کنید و بروید. اما ما در این کارخانه ها و مراکز صنعتی در لابلای چرخ دنده ها و در ذره ذره اوقات کار عمر و جوانیمان را، سلامتی و نشاطمان را، آرزوها و همه چیزمان را دفن کرده ایم. و حالا میگویند بفرما تسویه حساب کن و برو! راست میگویند، ما کارگران باید با حکومت سرمایه داران تسویه حساب کنیم. اما آنها هستند که باید بروند و نه ما!

شرکت ساختمانی توسعه معادن با بیش از 100 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای 330 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کاری اجباری تا شب و کار در ایام تعطیل، مجری و سازنده انواع پروژه ها و مجتمع های مسکونی و اداری در سطح شهر تهران میباشد. این شرکت هم اکنون مجری احداث تعدادی از مجتمع های مسکونی در منطقه سعادت آباد است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳ مهر ۱۳۹۰ - ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱

گفتگوی رادیو صدای کمونیسم کارگری با علی جوادی پیرامون بیانیه کنفرانس کادرهای حزب ...

بسیاری برای عقاید و ایده های آزادیخواهانه، برابری طلبانه، سوسیالیستی و کمونیستی وجود دارد. شاید خیلی ها در دوران گذشته بر اثر تبلیغات کرکننده دستگاه های بورژوازی و تحت تاثیر فشار جنبشهای دست راستی مایوس و نا امید شده باشند. امیدشان را به اینکه یک دنیای بهتر، یک زندگی بهتر ممکن است، مقدور است، و به دست خود بشریت امروز قابل تحقق هست، از دست داده باشند. اما امروزه با قدرت میتوان گفت که آن تبلیغات زهر آگین به آخر خود خط رسیده است.

به اوضاع سیاسی جهان حاضر نگاه کنید. به توده مردم معترض. حتی بسیاری که در دوره های قبل میکوشیدند رنگ هر ذره آزادیخواهی را از پیکر خود پاک کنند امروز میکوشند خود را از نیروهای راست دور کنند. اینها تنها نمونه های کوچکنند. در این دوران کمونیسم کارگری میتواند پیشروی های بزرگی داشته باشد. حتی اگر قدرت را در گوشه ای از آن کارگر و توده مردم زحمتکش نکند، حداقل میتواند بمثابة یک نیروی جدی هر تحول سیاسی ظاهر شود. این دوران دوران تعرض مستقیم کمونیسم کارگری است. دورانی که امکان ساختن یک دنیای بهتر، بدست خود مردم کارکن بیش از هر زمان ممکن است. باید تلاش کرد!

فراخوان حزب اتحاد کمونیسم کارگری این است که این ویژگی ها را باید شناخت. بر مبنای این ویژگی ها باید ساخت. "نه" کمونیسم کارگری را باید به "نه" اعتراضی توده

نگاه کنید. یک همبستگی قوی و فرا ملی در این اعتراضات به چشم میخورد. از طرف دیگر به اعتراضات در اسرائیل نگاه کنید. صدها هزار تن در اسرائیل دست به اعتراض میزنند. بر پیراهن های تنتش شان شعار همبستگی با مردم ستمدیده فلسطین نقش بسته است. انزجار خودشان را بطور عملی از ستم دولت "خودی" بر مردم فلسطین به نمایش میگذارند. با شعارهایشان اعلام میکنند که خواهان برسمیت شناسایی کشور مستقل فلسطین بر مبنای مرزهای سال ۶۷ هستند. این اعتراضات به درجات زیادی زهر و سم تبلیغات ناسیونالیستی را که بر نفرت "ملت" اسرائیل از "ملت" فلسطین استوار شده است، خنثی کرده است. ببینید جنبشهای ناسیونالیستی، چه در اسرائیل و چه در کشورهای "عربی" سرمایه گذاری بسیاری بر نفرت ملی کرده اند. یک پایه حاکمیتشان همین تفرقه و نفرت ملی و قومی است. این سرمایه گذارها اکنون ورشکسته شده است. این یک تحول تاریخی است که باید برسمیت شناخته شود. زهر ناسیونالیسم را همبستگی عمومی مردم خنثی کرده است. ما کمتر در طول تاریخ شاهد چنین تحرکاتی بوده ایم. این یکی از زیباییهای اعتراضات دوران معاصر است.

صدای کمونیسم کارگری: چه نکات و ملاحظات پایانی دارید؟

علی جوادی: من میخواهم توجه تمام شنوندگان را، تمام فعالین کمونیست، رهبران کارگری، نیروهای چپ و آزادیخواه و برابری طلب را به این مساله جلب کنم که دوران عوض شده است. ما وارد یک دوران تاریخی جدیدی از تحولات بشری شده ایم. در این دوران گوش های شنوای

شما علیه انقلاب هستید و ما علیه ضد انقلاب!

حبیب نصوحی

جمهوری اسلامی در تابستان سال 67 زندانیان سیاسی را قتل عام کرد. برای بزرگداشت یاد قربانیان این جنایت بزرگ، مراسمی بتاريخ 24 سپتامبر 2011 در هامبورگ فراخوان داده شد. این مراسم با خاطرات یک زندانی سیاسی آغاز شد و با پیام احزاب و تشکلهائی به پایان رسید. شنیدن مضمون پیامها و ادارم کرد بر حقایق تاریخی تاکید کنم.

آیا مردم ایران قبل از جمهوری اسلامی حکومتی داشتند که آزادی و برابری و رفاه از سر و روی جامعه بالا میرفت و خوشی زیر دلشان زد و علیه حکومت سلطنتی انقلاب کردند و یا برای حل مشکلاتشان و نفی تبعیض و اختناق و دیکتاتوری حاکم بمیدان آمدند؟ به این اپوزیسیون پرو غربی باید مکرر یاد آور شویم که زندان اوین توسط حکومت سلطنتی پهلوی بعنوان زندان فعالین سیاسی ساخته شد، تازه اوین یکی از زندانهای سیاسی بود. در این حکومت دستگیری و شکنجه و اعدام فعالین سیاسی هم معمول بود، نمونه های تجاوز بعنوان شکنجه هم بود. احزاب سیاسی و کتابها و ادبیات مختلفی جزو ممنوعه ها بودند. اختلاف طبقاتی در کنار دیکتاتوری شدید بود، حاشیه نشینان شهرها و حلی آبادها و گودنشینها و فقر و خفقان هم روال معمول بود.

ضد انقلاب جمهوری اسلامی، اتفاقا با کمک و توافق و نقشه اربابان دیروز شما، برای خاک و خون کشیدن آزادیخواهان و کمونیستها و انقلابیون و برای جلوگیری از تعمیق و پیشروی انقلاب در ایران حکومت را گرفت. با راه اندازی آدم ربائی و ترور و اعدام و شکنجه و تجاوز حکومت اش را تثبیت کرد و نسل کشی راه انداخت. یکی از این جنایتهای مهم کشتار تابستان 67 بود. جمهوری اسلامی با خونریزی سرکار آمد و همواره تا به امروز این سیاست را ادامه داده است. جمهوری اسلامی بدون سرکوب و خشونت نمیتواند یکروز به حکومت مملو از جنایت و نابرابری و فقر ادامه دهد.

برخلاف ادعاهای از تخت افتادگان و همینطور ورشکستگان دیروز چپ، در سال 1357 در ایران "انقلاب اسلامی" رخ نداد. مردم برای "اجرای قوانین اسلامی" علیه حکومت شاه برنخواستند. این نوع ادعاها و تحلیلها زیادی پوچ و ضد تاریخی است. برای یک آیت الله سرود "ای امام" ساختند و بعنوان "رهبر انقلاب" روانه ایران کردند. اما "امام هنوز حکم جهاد نداده بود" و حکومت نظامی شاهنشاهی را به رسمیت میشناخت. ولی مردم انقلابی گوششان بدهکار نبود و پادگانها و ادارات دولتی و رادیو و تلویزیون را گرفتند. برخلاف نظر و تمایل این امام

کیک زده و جریان اسلامی مردم قیام کردند. بعداً تبلیغات رسانه های غربی برخلاف واقعیت سیاسی آن تحول اینرا جا انداختند که "مردم انقلاب شما پیروز شد و بروید به خانه هایتان!"

ما آزادیخواهان و کمونیستها و انقلابیون از همان اول علیه ضد انقلاب جمهوری اسلامی فعال شدیم. ما این ضد انقلاب را ادامه حکومت سلطنتی در دوره انقلابی و برای مقابله با انقلاب و خواستهای آزادیخواهانه اش ارزیابی کردیم. بعضیها ادعا میکنند انقلاب آنها را آواره کرده است و کمونیستها هم از مسبب سر کار آمدن جمهوری اسلامی بودند و اینگونه تاریخ را جعل میکنند. گرچه تعداد معدودی از بالائیها طبیعی است از انقلاب ضربه ببینند اما یا یادشان نمیاید و یا آگاهانه خود را به نادانی میزنند و یا تاریخ را وارونه میکنند، چون اگر به حقایق پایبند باشند باید اعتراف کنند که دولتهای غربی روی دوش نیروهای جنبش ملی اسلامی در اپوزیسیون، جمهوری اسلامی را سر کار آورد. این تبلیغات هنوز هم از طرف دولتهای غربی و اپوزیسیون پرو غربی تکرار می شود و خطاب به کارگران و زنان و زحمتکشان معترض و مبارز ایران میگویند "جمهوری اسلامی خواستید تاوانش را بدهید!" این دروغ بزرگ را باید افشا کرد. اینجاست که اهمیت تکرار واقعیتها از طرف ما بارز می شود. باید جلوی این جعل تاریخ را بگیریم.

امروزه بخشی از همان جنبش ملی اسلامی خواست تشکیل "کنگره ملی" را مطرح میکنند. تازه ادعا دارند باید اقوام احزاب را قبول کنند، احزاب هم اقوام را قبول کنند و با همکاری حتی بخشی از حکومت که دستشان به خون مردم آغشته نیست با هم "تمامیت ارضی ایران" را بشکل فدرالیسم و سکولار حفظ کنیم.

من از سکولارهای سبز هامبورگ سوال میکنم کدام بخش یا جناح از حکومت جمهوری اسلامی دستشان به خون مردم آغشته نیست و شریک جرم جنایتهای جمهوری اسلامی نیستند؟ لطفاً نام ببرید. اگر نمیتوانید نام ببرید، واضح است که آگاهانه میخواهید با همین جنایتکاران اینبار بطرق دیگر سازش و بند و بست کنید. جنبش ملی اسلامی حکومت جمهوری اسلامی را بلای جان



کارگران و زحمتکشان ایران کرد. حالا که بین خودشان اختلاف افتاده با طرح شعار فدرالیسم به تدارک جنگ داخلی در ایران که خواست دولتهای غربی میباشد دامن زده و با تکیه به "هویت ملی و قومی" تلاش دارند خودشان را در حد مجریان پروژه افغانستان و عراق و یا لیبی به دولتهای غربی معرفی نمایند. کل این ارتجاع را با نام دمکراسی میخواهند به مردم محروم بفروشند. دمکراسی برای اینها اسم عبور شب در ایندوره است. ناتو از دمکراسی حرف میزند و اینها هم رویاهای خونبارشان را با دمکراسی عرضه میکنند.

اما دمکراسی راه نجات کارگران و مزدبگیران زحمتکش نیست. در اروپا که معروف به مهد دمکراسی میباشد گام به گام دولتهای دمکرات امکانات اجتماعی را از مردم پس میگیرند. کودکان گرسنه و زیر خط فقر در مهد دمکراسی لیبیرال یعنی انگلستان یک معضل و سوال اجتماعی شده است. دمکراسی مورد نظر دولتهای غربی برای ایران شبیه عراق و افغانستان میباشد و فعالین جنبش ملی اسلامی هم برای ایران دمکراسی عشیره ای و قومی و مذهبی میخواهند تا باز هم دخالت مستقیم کارگران و زحمتکشان را در تعیین سرنوشت سیاسی خود مانع شوند.

من به شما اعلام میکنم که جنبش کمونیسم کارگری با اتکا به نیروی طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی و حزبش یعنی حزب اتحاد کمونیسم کارگری چنین اجازه ای به شما نخواهد داد.



زدند. ضمن این که طی چند ماه گذشته رژیم از طریق مدیای خود یک صدا اخبار ناامنی در جامعه را در بوق و کرنا میکرد، لزوم برخورد پیگیر و خشن از سوی سران رژیم به دستگاههای سرکوبگر خود را مداوما ابلاغ میکرد. حتی آرایشگاههای مردانه و زنانه یورش خود را آغاز نمود و عملیات های وقیحانه و جیونانه بالا رفتن از ساختمان های مردم را برای جمع آوری دیش های ماهواره را به نمایش گذاشت. قوانین ارتجاعی مجازات های اسلامی در این سالها همواره تنها پاسخ رژیم اسلامی به مطالبات حق طلبانه کارگران، زنان و نوجوانان و جوانان را با شلاق در ملاء عام، سنگسار و اعدام داده است. مجازات در ملا عام در سنت اسلامی هدفی جز ارباب جامعه ندارد. رژیم با تلاش میکند جمعیت برای این توحش جمع کند و یا عادت دادن جامعه به توحش، بیکاری مردم و حس کنجکاوی، باعث میشود که عده ای برای نگاه این جنایات جمع شوند. بدون اینکه به عواقب روانی و مخرب آن آگاه باشند. البته در مواردی مانند سیرجان هم مردم به چوبه های دار حمله کردند و آن را به آتش کشیدند.

اما هیچ کدام از این مجازات ها نه تنها به کاهش جرم و جنایتی که رژیم اسلامی مسبب اصلی آن است نیانجامیده است، بلکه بنا به آمارهای ارائه شده توسط ارگانهای ذریبط افزایش قابل توجهی یافته است. در رژیمی که همه چیز جرم است، از یک رابطه ساده عاطفی گرفته تا فریاد آزادیخواهی و برابری طلبانه، از درخواست

همینطور طی دوره ای که از عمر ننگین این رژیم میگذرد، جهان شاهد بسیاری از تحولات تکنولوژیکی بوده که یک نتیجه اش نزدیک شدن هر چه بیشتر مردم در مناطق مختلف جهان شده است. امروز به یمن تکنولوژی ارتباطات و تبادل سریع اطلاعات که شبکه های اجتماعی مختلفی را از جمله فیس بوک و توئیتر و ... شامل می شود، مردم در دهکده جهانی به سرعت از تجارب در هر نقطه جهان خبر دار شده و از آنها به نفع حرکت برای تغییر در جامعه خود مورد استفاده قرار میدهند. رژیم اسلامی که دوره ای طولانی به سیاست قرنطینه فرهنگی رو آورده بود، ناتوان از مقابله با این اوضاع جدید تلاش کرده به طرق مختلف به مقابله آشکار با این روند مبادرت کند. حکومت اسلامی با انواع توجیهات و سرکوبها و هزینه های سرسام آور تلاش کرده این روند را متوقف کند اما موفق نشده است. هرگونه ارتباط با جهان خارج را با مجازات های سنگین پاسخ داده است و موجب فرار و پناهنده شدن صدها هزار نفر انسان گردیده است. کارگران، جوانان و زنان در ایران که هر روز شاهد به میدان آمدن صدها هزار انسان در مناطق مختلفی از آفریقا، اروپا و خاورمیانه برای به زیر کشیدن رژیم های دیکتاتوری در آن کشورها هستند، خود را برای یک رویارویی دیگر با رژیم اسلامی آماده میکنند. در چنین شرایطی آنچه در مخیله دیکتاتوری حاکم در ایران خطور می کند، افزایش سرکوب سازمان یافته است. نهادینه کردن رعب و وحشت آن سیاست سازمان یافته سرکوبگری است که از جمله با ابزار گسترش اعدام و کشاندن آن به مناطق شهری و مسکونی ادامه پیدا کرده است.

کافی است به این ماجرای آخرین اعدام که روز چهارشنبه در ملا عام در شهر کرج انجام گرفت نگاهی بیاندازیم. پس از آن که روح الله داداشی توسط نوجوانی به نام علیرضا ملا سلطانی در یک نزاع خیابانی به قتل رسید، رسانه های مزدور رژیم از همان دقایق اولیه خبر، جهت دار به تکرار و بازپخش این خبر در سطح جامعه دست

اعدام قتل عمد دولتی است در باره اجتماع برای تماشای جنایت اسلامی

پدرام نواندیش

سردمداران آن به مقولاتی که به عنوان پیامد بحران های لاعلاج آن مطرح هستند بررسی کرد. ذکر این نکته ضروری است که سیاست اعدام در تمام کشورهایی که جاری است به کاهش جرم و جنایت نه فقط منجر نشده بلکه نتیجه معکوس بیار آورده است. در مورد مشخص جمهوری اسلامی که جزو رکورد دارهای آدمکشی از طریق اعدام است، مسئله تماما سیاسی و برسر بقای حکومت و ارباب جامعه است.

بحران های گریبان گیر حکومت سرمایه داران در عرصه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی طی سه دهه گذشته بنا بر ماهیت رژیم اسلامی کاهش نیافته است. لاجرم تلاش های کلیت رژیم برای تثبیت حاکمیت ارتجاعی اس در هر یک از عرصه های اشاره شده، هر روز بیشتر با ناکامی مواجه شده است. بحران اقتصادی رژیم همراه با موج بحران جهانی سرمایه داری، گلوی اقتصاد درهم شکسته سرمایه داری اسلامی در ایران را چنان فشرده است که حتی سیاست حذف یارانه ها و غارت سفره کارگران و توده های کارکن نتوانسته است این بیمار نفس به احتضار افتاده را درمان حتی موقت نماید.

نتیجه مستقیم این بحران ها، فشارهای خرد کننده بر میلیونها انسان کارگر و زحمتکش، بیکاری و گرسنگی، فقر و فحشا، دزدی و درهم شکستگی روحی و عاطفی میلیونها انسان بوده است.

رسانه های رژیم اسلامی در خبرها آوردند که جمعیتی بالغ بر پانزده هزار نفر برای دیدن صحنه اعدام نوجوانی که در یک نزاع خیابانی در شهر کرج، روح الله داداشی را به قتل رسانده بود، به تماشا ایستادند. برای پرداختن به این واقعه ترجیح بر آن است که به کمی پیش از این رویداد جنایت کارانه باز گردیم و به سولاتی محوری و قدیمی در مورد مسئله اعدام مجددا نگاهی بیاندازیم:

۱- خشونت و آدمکشی که بنا به اعتراف رسانه های رژیم هر روز بیشتر شده و آمارها حکایت از سیر بالا رفتن جرم و جنایت در سطح شهرهای ایران دارد، محصول چه شرایطی است؟

۲- رژیم اسلامی تاکنون پاسخ جرم و جنایت را با اعدام داده است. آیا این اعدام ها به کاهش خشونت و آدمکشی در جامعه منجر شده است؟ عبارت دیگر اعدام مصونیت اجتماعی بیار آورده است؟

۳- چرا علیرغم اعتراضات داخلی و بین المللی، رژیم اسلامی ماشین اعدامش را نه تنها متوقف نساخته بلکه تلاش میکند سیاست اعدام در ملا عام را گسترش دهد؟ اهداف رژیم از این اقدام چیست؟

۴- رژیم اسلامی چه اهدافی از گرد آوردن جمعیت تماشاچی برای دیدن صحنه اعدام دارد و یا اجتماع خودبخودی جمعیت را زیر نور قرار میدهد؟

۵- آیا می توان ماشین اعدام رژیم را متوقف ساخت؟ چگونه؟

پاسخ این چند سؤال و بسیاری از سئوالات از این دست را بایستی در ماهیت رژیم اسلامی حاکم در ایران و نوع نگرش و پاسخ

اعدام قتل عمد دولتی است

در باره اجتماع برای تماشای جنایت اسلامی ...

افزایش دستمزد گرفته تا خواست تشکیل شورا و مجامع عمومی کارگران، هر پاسخ دیکتاتوری سرمایه به این خواست های برحق نیز همانا مجازات است و باز هم مجازات.

قتل روح الله داداشی به دست علیرضا ملا سلطانی فرصت دیگری را برای دستگاه سرکوبگر رژیم فراهم آورد تا ضمن دفاع از اعدام های تاکتونی اش به تشدید فضای رعب و وحشت همگانی دست بزند. به همین منظور با نصب خبر اعدام نوجوان یاد شده در بیلبوردهای تبلیغاتی در محل، عملاً به تبلیغ روز و ساعت اعدام یک انسان قربانی دست زد. نوجوان یاد شده بدون هیچ نقشه قبلی در یک شرایط کاملاً غیر طبیعی که ممکن است برای هر کسی که در ایران تحت حاکمیت سرمایه داران و رژیم اسلامی آن زندگی می کنند پیش بیاید، در یک نزاع موجب مرگ روح الله داداشی میشود. اما رژیم اسلام سیاسی با نقشه ایجاد رعب و وحشت در دل مردمی که گرسنگی امانشان را بریده است، فقر و بیکاری یا به انتحارشان کشانیده و یا به دیگر کشی سوق شان میدهد و یا آماده برای یک شورش همگانی علیه رژیمی که مسبب تمام بدبختی هاشان است، در روز چهارشنبه در حضور هزاران انسان نوجوانی را عامدانه به قتل میرساند. نوجوانی که هفده سال سن بیشتر نداشت. یعنی درست پس از شانزده سال که از عمر ننگین رژیم گذشته به دنیا آمده است. اکنون داس اعدام

رژیم عمر کوتاه او را درو کرد تا شاید مانع از به میدان آمدن میلیونها چون او شود.

چگونه می توان رژیم اسلامی را از ادامه چنین جنایاتی باز داشت؟

تا رژیم اسلامی بر اریکه قدرت و دیکتاتوری اش تکیه زده است، اعدام و جنایت برقرار است. رژیم اسلامی بدون اعدام نمیتواند سرپا بماند و ادامه حکومت اسلام در ایران همواره همراه است با جنایت و آدمکشی. برای پایان دادن به اعدام، سنگسار، قتل و آدمکشی، بایستی رژیم سرمایه داران اسلامی را به زیر کشید. علیرغم تلاشهای رژیم بخش مهم و تاثیرگذاری در جامعه مخالف اعدام هستند و تحت شرایطی حتی همین جمعیتی که به دلایل مختلف برای تماشای مراسم اعدام جمع میشوند، میتوانند با شعارهای اعتراضی بر علیه اعدام، مراسم قتل و آدم کشی دولتی را بر هم زده و آن را به حرکتی علیه آدمکشان اسلامی بدل سازند. رژیم اسلامی با سیاست قتل عمد دولتی و علنی سعی دارد رعب ایجاد کند و سرپا بماند اما روند کنونی قابل دوام نیست. رژیم اعدام و اختناق سرمایه رفتنی است. این رژیم را باید بقدرت اردوی آزادیخواهی و انقلاب کارگری به گورستان تاریخ سپرد. مرگ بر حکومت صد هزار اعدام.*

کارگران شرکت آرم فرم

بازگشائی مدارس و 5 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، تا روز سوم مهر، دستمزدهای اردیبهشت و خرداد، تیر، مرداد و شهریور ماه بیش از 150 نفر از کارگران شرکت راه و ساختمان آرم فرم پرداخت نشده است. پنج ماه است که "اشوری" چهره منفور ضد کارگری و مدیر شرکت آرم فرم با توسل به انواع دروغ و گاه با نشان دادن چنگ و دندان به کارگران ناراضی و معترض و تهدید به اخراج، از پرداخت دستمزدهای آنها طفره میبرد. پنج ماه است که کارگران و خانواده هایشان برای نان شب و تامین هزینه مسکن و مایحتاج اولیه زنده ماندن میجنگند و سرگردان اند.

یکی از کارگران میگفت: ما کارگران و خانواده هایمان هر ساله در آخرین روزهای شهریور ماه و همزمان با بازگشایی مدارس بدجوری تحت فشارهای روانی و مالی قرار میگیریم. مدارس خصوصی که اکثراً شهریه های میلیونی میخواهند و مدارس دولتی هم که بیشتر به کاروانسراهایی متروک و بدون امکانات شبیه است تا مدرسه برای ثبت نام بچه ها شهریه های چند صد هزار تومانی میخواهند. در این حکومت که همه چیز را ملاحور کردند، آموزش و پرورش رایگان و سراسری برای همه را از حالت عادی خارج و فرزندان خانواده های کارگری را از درس خواندن محروم کردند. درس خواندن هم پولی شده و اگر پول نداری و بچه کارگر باشی حق درس خواندن نداری. بیش از یک هفته است که من و تعدادی از کارگران مرتباً به اشوری و عواملش مراجعه میکنیم. چیز زیادی نخوایسته ایم بجز 5 ماه حقوق عقب افتاده مان. آخر سر با کلی ناز و منت گفته اند چون اول مهر و بازگشایی مدارس است به هر کدام از شما فقط 50 هزار تومان، بده درست شنیدید فقط 50 هزار تومان، اللحساب و مساعده میپردازیم تا بعداً چه شود! ما که نفهمیدیم آخر با 50 هزار تومان چکار باید کرد؟ بچه ها را راهی مدرسه نمود، اجاره خانه های عقب افتاده را پرداخت، بدهکارها را صاف کنیم؟

امروز سوم مهر ماه، اولین روز بازگشایی مدارس در ایران، زیر سایه شوم حکومت اسلامی سرمایه داران جمعی کثیری از خانواده های کارگری به دلیل فقر و بی پولی بچه هایشان را به مدرسه نفرستادند. همزمان با بازگشایی مدارس بخشی از خانواده های کارگری جگر گوشه های عزیزشان را به جای مدرسه به خیابانها، به زباله دانیهای آلوده و به کارگاهها و کارخانه ها برای کار و استئمار، برای کسب درآمد و یک لقمه نان فرستادند. امروز سوم مهر ماه اولین روز بازگشایی مدارس به همت حکومت دزدان و اوباش اسلامی، جمع کثیری از خانواده های کارگری با کلی قرض و بدهکاری و شرمندگی، با تقلا و فلاکت بچه های نازنینشان را در اشکال تحقیر آمیزی بی کیف و کفش، بی لباس مناسب و با جیبهای خالی به مدرسه ها روانه کردند. ننگ بر حکومت اسلامی، ننگ بر سرمایه داران.

شرکت آرم فرم با بیش از 150 نفر کارگر قراردادی و سفید امضا با دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری نامحدود بنا به منافع و نیاز کارفرما، مجری احداث انواع پروژه های راه سازی و ساختمانی است. دفتر مرکزی شرکت در خیابان قائم مقام تهران است و هم اکنون کارگران شرکت در پروژه ساختمان سایپا در کاشان و بخشی دیگر از کارگران در پروژه های ساختمانی در ارومیه مشغول به کارند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ مهر ۱۳۹۰ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱

آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلا د سردهم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟

کارل مارکس



زحمتکشان جدا شد.

کمی دیگر گذشت. بار دیگر کومله سید ابراهیم علیزاده خونریزی ناسیونالیستی کرد و اینبار فراکسیونی شکل گرفت که میگفت حزب کمونیست را منحل کنید و همه کومله کردستان باشیم. اینها دوستان عبدالله مهدی بودند که به دلایل شخصی آنوقت با عبدالله مهدی جدا نشده بودند. بعد از دوره ای مباحثات و مذاکره بالاخره کومله همه این فراکسیون را دسته جمعی اخراج کردند. نتیجه دیگری از ناسیونالیسم کومله بنده آمد که هنوز معلوم نیست سیاستش چیست.

و بالاخره اینبار دعوا میان شاخه ایلخانی ساز شده و کارهای ماجراجویانه این شاخه که نان و آب و پول شان را به خطر انداخته بود. ایلخانی فهمید که اگر نجنبند ممکن است عده ای کشته شوند و زود نیروی پلیس اتحادیه میهنی را خبر کرد، تقصیرها را کردن مخالفین گذاشت و همه شان را موقتا خلع سلاح کردند. قرار است نبره جدید ناسیونالیستی متولد شود.

در این میان تنها استثنا تعدادی کادر و عضو که واقعا فکر میکردند کومله امروز همان کومله سابق است و باید چپ باشد، شروع کردند به انتقاد و بحث که اول با سرکوفت و تهدید و بعد بسرعت اخراجشان کردند. ترسیدند که مبادا قدرتی بگیرند. ترسیدند بعد از این همه تبلیغات شاخدار علیه کمونیسم کارگری کردن حالا عده ای پیدا شدند همان حرفها را

در حاشیه خلع سلاح

باند موسوم به سازمان زحمتکشان

(شاخه عمر ایلخانی زاده)

عطا یار احمدی

بیشرمانه دروغ میگفتند که کمونیسم کارگری اموال کومله را فروخته است! بالاخره عبدالله مهدی و ایلخانی و بخشی از باقیمانده کومله جدا شدند و سازمان زحمتکشان را تشکیل دادند. باز هم این رهبری ناسیونالیست مباحثات کرد چون میخواست هم جلال طالبانی و اردوگاه را داشته باشد و هم کومله را. باز هم منصور حکمت در یک سخنرانی گفت و نوشت که این جریان ماهیتش چیست و در آینده چی میشود. گفت و نوشت اینها سازمان سیاسی نیستند بلکه باند سیاهی اند. کمی طول نکشید که زحمتکشانی ها ادای پ ک ک را درآوردند و شروع کردند به باج گیری از مردم و کارهای ناشایست و غیر سیاسی در کردستان، پرچم کردستان را بلند کردن، فالانژیگری، لات بازی بجای سیاست، و ضدیت علنی با کمونیسم و بلند کردن پرچم فدرالیسم. کومله اولین فرزند سر راست ناسیونالیستی را بدینا آورد. و این را منصور حکمت به دقت گفته و هشدار داده بود.

کمی دیگر گذشت. زحمتکشان با پول طالبانی و آمریکا برای خودش دم و دستگاهی ساخت و سعی کرد از لومپن ها و جوانان ناآگاه نیرو بگیرد. ولی چون قرار بود یخ شکن صف اول ارتش آمریکا در حمله به ایران باشد و چون این حمله صورت نگرفت دچار بحران شدید شد. دعوا بر سر مقام و پول میانشان بالا گرفت و دوستان و اقوام دیرینه به جان هم افتادند. چاقو کشی و تیر اندازی به هم را باب کردند و آبروی تاریخ کومله را بردند. ایلخانی و بخشی از زحمتکشان جدا شدند. نوه دوم ناسیونالیستی کومله به دنیا آمد. در این ماجرا اگر اتحادیه میهنی و نیروهای امنیتی سریع دخالت نکرده بودند همدیگر را کشته بودند.

باز هم کمی دیگر گذشت. میان جناح مهدی درگیری دوم صورت گرفت. در جلسه رسمی مخالفین را بدستور مهدی کتک زدند که عکس و تصویلات آن را همه دیده اند. باز اتحادیه میهنی و پدر بزرگ به فریاد رسید و گرنه فجایع بار آورده بودند. شاخه دیگری اما کوچک تر از باند

برخی دیگر کنار مهدی ایستادند و بعد همراه مهدی به "مامه جلال شان" نامه فدایت شوم نوشتند و مسئول تندی مواضع کمونیستی حزب را منصور حکمت قلمداد کردند. در هر محفلی در کردستان عراق میرفتی میدیدی ناسیونالیستها علیه منصور حکمت و در تائید جلال طالبانی حرف میزنند و علنا میگویند اصلا جنگ کومله و حزب دمکرات تقصیر منصور حکمت بود. بازار دو لا شدن در مقابل ناسیونالیسم در حزب به اصطلاح کمونیست ایران گرم بود.

آنوقتها دنیا خیلی راست بود و نان سیاست را به نرخ روز خوردن هم رسم بود. اون روزها این تبلیغات ضد کمونیستی میگرفت و ناسیونالیستهای دیروز جیون امروز خود را برای نوکری آمریکا و انواع مرتجعین منطقه آماده میکردند. منصور حکمت آینده اینها را مثل فیلم تاریخ دیده بود و توهم نداشت. هرچه بود گذشت و تاریخ نشان داد حق با منصور حکمت بود. عبدالله مهدی که سخنگوی حزب کمونیست بعد از جدائی کمونیسم کارگری بود و از ابراهیم علیزاده تا بقیه قبولش داشتند، وقتی فضا را مناسب دید علیه همان کومله ناسیونالیست که هنوز پوسته چپی داشت کودتا کرد. این آقا با طالبانی دست به یکی کردند که کومله را یکبار به حزبی کوردی تبدیل کنند. پول گرفته شد و پولها خورده شد اما صدای کومله و سید ابراهیم درنیامد. داستان "جعبه سیاه" را همه میدانند. ولی همان زمان به جوانان پیشمرگه

اگر جریانی سیاسی و کمی آزادخواه توسط ارتجاع خلع سلاح شده بود جای نگرانی و صحبت داشت. ولی وقتی باندی دست ساز توسط پدران و پیش کسوتانش خلع سلاح میشود اهمیت سیاسی ندارد. جای خوشحالی هم ندارد چون هر وقت نفع شان باشد دوباره مسلح میکنند و جیره شان را میدهند. حرف من اینجا در باره ماهیت ضد کمونیستی و ارتجاعی این باند و کلا ناسیونالیستها نیست. حرف من با خود ناسیونالیستها است که از چپ و راست شان کینه منصور حکمت در دل دارند ولی همین منصور حکمت سرنوشت امروزشان را گفت و نوشت. عجیب اینست که همه اینها از تاکید این حقایق به خود میبجند.

۲۰ سال پیش

بیست سال پیش در حزب کمونیست ایران فراکسیون کمونیسم کارگری به رهبری منصور حکمت تشکیل شد. آن فراکسیون میخواست حزب کمونیست ایران را از ناسیونالیستهای که حزب را برای معامله با طالبانی و بارزانی و حزب دمکرات میخواستند و همینطور اونهایی که پائی اینور و پائی آنور داشتند نجات دهد و به حزبی برآستی کارگری تبدیل کند. این پروسه با سقوط شوروی و حمله آمریکا به عراق و شرایط منصور حکمت تصمیم فردی گرفت که استعفا دهد و حزبی دیگر بسازد. منصور حکمت این کمونیست نماهای ناسیونالیست را خوب میشناخت و مشخصا به عبدالله مهدی گفت که بین دو راهی رهبر کمونیست بودن و رهبر ناسیونالیست بودن آخرش تصمیم میگیری که ناسیونالیست باشی. آنوقت علیزاده و ایلخانی و

در حاشیه خلع سلاح

باند موسوم به سازمان زحمتکشان ...

(شاخه عمر ایلخانی زاده)

بخشا تکرار میکنند. زود پرونده ای تشکیلاتی برایشان درست کردند و اخراجشان کردند. مثل اینکه کومله قسم خورده بود فقط ناسیونالیست متولد کند!!

خود سید ابراهیم و جناحش البته به این تندی ناسیونالیست نیستند ولی میانه شان با ناسیونالیستها خیلی بهتر از رابطه شان با کمونیستها است. تحمل ناسیونالیستها را زیاد دارند اما تحمل کمونیستها مخصوصا کمونیست کارگری را ندارند. حاضرند در هر مجلسی از کورد کوردتر باشند. حاضرند دیپلمات باشند، حاضرند در مقابل کشتار مردم کارگر و زحمتکش در کردستان در مقابل طالبانی و بارزانی سکوت کنند، ولی حاضر نیستند در مقابل کمونیستها و طرفداران کمونیست کارگری آنها در کومله یا در کردستان عراق یک سر سوزن گذشت داشته باشند. این ناسیونالیسم ذاتی کومله همیشه فرزند ناسیونالیست دنیا آورده و در آینده نیز همین خواهد بود. موضع شان را در مورد "کنفرانس ملی کرد" ببینید، موضع شان را در مورد مرگ شیخ عزالدین با موضع دیگر ناسیونالیستها مقایسه کنید، موضع شان را در مورد مسائل کردستان عراق با دیگر ناسیونالیستها مقایسه کنید ... تفاوت ها میلیمتری هم نیست فقط اسم و رسم شان فرق میکند.

حق با منصور حکمت بود

امروز بعد ۲۰ سال و مستقل از کمونیسم کارگری وضعیت کومله و حزب کمونیست و انشعابات ناسیونالیستی اش و سرنوشت باند زحمتکشان حرفهای منصور حکمت را مو به مو ثابت کرده است. یادتان هست منصور حکمت در مورد تک تک این افراد چه گفت؟ یادتان هست به عمر ایلخانی و کمیته رهبری کومله چه گفت؟ یادتان هست گفت کومله ترمینالی

است که از یکطرف خونریزی ناسیونالیستی میدهد و از یکطرف کسانی که به اعتبار تاریخ کمونیستی و قدیم کومله به سمت این جریان می آیند اگر بخواهند کمونیست باشند به کمونیسم کارگری متمایل میشوند؟ یادتان هست چقدر به کومله هشدار داد که این دیپلماسی و اردوگاه داری هزینه بردار است و خودتان را خلاص کنید؟ یادتان هست چقدر از عمر ایلخانی تا عبه مهدی و ابراهیم علیزاده همانوقتها به اردوگاه و رادیو مینازیدند و تبلیغ میکردند که کمونیست کارگرها "اش بنال" کردند؟ وضع شان را ببینید که برای مقداری کمک مالی اتحادیه میهنی و نشست و برخاست با ناسیونالیستها چگونه همه شان- با هر تفاوتی - استقلال سیاسی شان را از دست دادند و حتی در برابر کشتار مردم در کردستان سکوت میکنند! و این کومله را مقایسه کنید با آن کومله که بخاطر نفوذ کمونیستی اش دولت عراق اردوگاههایش را بمباران کرد. واقعا فرق سیاست نامه نوشتن "به دوستان حال و آینده" عبه مهدی - یعنی طالبانی در مقطع جنگ خلیج- با تیریک علیزاده به رئیس جمهوری جلال طالبانی و اعلام غیر مستقیم خوشنودیش از به زیر استثمار بردن طبقه محروم و زحمتکش جامعه عراق تحت زعامت آمریکا و ناتو چه فرقی دارد؟ آیا حق با منصور حکمت نبود؟ آیا منشا این همه نفرت پراکنی حتی میان کسانی که خود را مثلا چپ میدانند همین حقایق نیست؟ راستی شماها سر سوزنی به حقیقت میتوانید پایبند باشید؟ مخالفت سیاسی که خیلی مشروع است اما حقیقت چه میشود؟ کسی در کومله تحلیلی دارد که چرا این جریان فقط ناسیونالیسم تولید میکند؟ چرا اشتباهها هم شده یکبار سیاست چپ نمیگیرد؟

زنده باد منصور حکمت و تیزبینی سیاسی و طبقاتی اش که چراغ راهنمای طبقه کارگر برای رهائی کمونیستی خواهد بود. *

کارگران شرکت مدیریت تجهیزات پزشکی تهران

یکماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، تا امروز ششم مهر ماه دستمزدهای مربوط به شهریور ماه ۱۲۰ نفر از کارگران شرکت مدیریت تجهیزات پزشکی پرداخت نشده است. شرایط کاری کارگران بسیار مخدوش و مبهم است. در اینجا حتی خبری از قراردادهای موقت و سفید امضا و یکطرفه و کارفرما پسند هم نیست. کار و زندگی در این مرکز بیشتر به کار و زندگی بردگان در اردوگاهها و اعصار ماقبل تاریخ شبیه است تا قرن حاضر!

یکی از کارگران میگفت: در اینجا حتی خبری از قراردادهای مسخره و موقت کار هم نیست، قراردادی نیستیم، روز مزد هم نیستیم. ساعت ظاهری کار از ۸ صبح تا ۵ عصر است اما چه ۵ عصری که هر روز تا پاسی از شب ادامه نیابد! هیچیک از ما نمیدانیم در پایان ماه دستمزدمان چقدر است؟ استراحت، مرخصی، غذا خوردن و حتی دستشویی رفتن در اینجا معنا ندارد. کوچکترین خواسته های ما کارگران با خشم و غضب و با تهدید و توهین و خط و نشان کشیدن و با چهره عبوس و زشت "صانعی" مدیر شرکت و عواملش روبرو میشود. اول صبح که پایت را به این جهنم میگذاری باید بدانی خروج از اینجا که کی و چگونه خواهد بود دیگر به اختیار خودت نیست! تعدادی از کارگران زن در اینجا آنها با دستمزدهای کمتر از مردها برای نگهداری و حتی برای دیدن بچه های شیر خوارشان از اول صبح تا آخر شب با مانع و محدودیت و زجر و محرومیت عاطفی روبرو هستند. کافیت یک ذره پایت را از خط قرمزهای شرکت فراتر بگذاری کارت تمام است. همیشه باید بسختی مراقب رفتارت باشی. با کوچکترین و کمترین اعتراض و خطا و شاید غفلت! فوراً از کار اخراج خواهی شد. زندگی و کار در اینجا یعنی هراس و وحشت و استرس مزمن، وحشت از همه چیز. بسیاری از کارگران انبار علاوه بر تحمل مشکلات و فشارهای شدید روانی ناشی از محیط کار بغلت حمل و جابجایی محموله های سنگین به انواع آرتروز و دیسک کمر و زانو درد مبتلا شده اند. کارگران مصدوم و بیمار در این جهنم فشار و نکبت برای یک لقمه نان و فقط برای زنده ماندن آگاهانه درد و بیماریشان را پنهان مینمایند. بناچار به انجام کارهای سنگین و سخت تن می سپارند تا مبادا کاشف بعمل آید و بیماری و دردشان کشف شود و در فردا حکم اخراجشان از کار اجرا شود.

در دفتر و انبار شرکت مدیریت تجهیزات پزشکی واقع در خیابان میرزای شیرازی تهران بیش از ۱۲۰ نفر کارگر در شرایط بردگی اعصار ماقبل تاریخ مشغول به کارند. این شرکت وارد کننده و توزیع کننده انواع لوازم و تجهیزات پزشکی میباشد. صانعی مدیر شرکت در تبتانی با برخی از سران حکومت اسلامی از طریق واردات برخی اجناس و لوازم نایاب پزشکی و فروش آن در بازار سیاه و همچنین از قبل استثمار وحشیانه کارگران ماهیانه میلیاردها تومان پولهای باد آورده به جیب می زنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ مهر ۱۳۹۰ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱

تلاشی مذبوحانه رژیم برای نهادینه کردن اعدام!



نادر رضا نژاد

اعدام شدیدترین حکمی است که در قوانین جزائی پیش بینی شده است. اعدام در طول تاریخ و با توجه به روند رو به رشد جوامع و آگاهی هر چه بیشتر مردم نسبت به حکم اعدام و مبارزه علیه آن، اکنون به جایی رسیده که تعداد معدودی از کشورهای دنیا حکم اعدام را به مرحله اجرا میگذارند.

اما در ایران اعدام روز به روز شدیدتر اجرا میشود و حکومت اسلامی آدمکشی را به جزئی از واقعیت زندگی در جامعه ایران تبدیل کرده است. این سیاست البته ناشی از ماهیت آدمکش رژیم اسلامی است. تا جایی که چوبه های دار را در داخل کوچه و محله و میدانهای شهرها برپا میکند و با عناوین مختلف چون "محارب با خدا"، تجاوز به عنف، شرارت، قاچاق و غیره، قربانیان را به چوبه های دار حلقه آویز میکند.

رژیم اسلامی برخلاف ادعایش برای "اجرای عدالت" اعدام نمیکند بلکه از اعدام برای سرپا ماندن و سرکوب انسانهای معترض استفاده میکند. این رژیم در اعدام زندانیان سیاسی و مخالفین کارنامه سیاهی دارد. رژیم اسلامی برای ترساندن مردم سیاست اعدام در ملا عام را پیش میبرد و برای این عمل شنیع و ضد انسانی خود اقدام به اجرای برنامه های نمایشی تلویزیونی و سرهم کردن سناریوهای پلیسی میکند. زیر شکنجه افراد را وادار به اعتراف میکند و با همان اعترافات قربانی را میکشد.

حکومت اسلامی توسط آخوندهای مفتخور به تجزیه و تحلیل ضرورت این اعدامها بر مبنای قانون ضد بشری مجازات اسلامی مبادرت میکند تا توجیه قتل و کشتارهای بعدی را فراهم و نهادینه کند. قانون مجازات اسلامی قانونی ساخته و پرداخته ذهن معلول و پوسیده رژیم

است. قانونی که از ابتدا تا انتها صحبت از چشم در مقابل چشم، خون در مقابل خون و قصاص و وحشیگری است. رژیم اسلامی تلاش میکند به این جنایات مستمر وجهه قانونی بدهد و عمل قتل را در مقام "مجری عدالت" توجیه کند.

در این میان به عنوان مثال میتوان اعدام زندانیان سیاسی را برشمرد که با توجیه "حفظ امنیت ملی" به جامعه فروخته میشود و هم چنین اعدام کودکان که در رژیم اسلامی عادی شده است.

برابر گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل تنها در سال ۲۰۱۰ تعداد ۵۲۵ نفر توسط رژیم اعدام شده اند که ۲۵۲ مورد در روزنامه ها و سایتهای رسمی رژیم اعلام شده و ۳۰۰ نفر دیگر تنها مربوط به زندان وکیل آباد مشهد بوده که هیچگاه توسط رژیم اعلام نشده است. تا پایان ماه مه ۲۰۱۱ (۱۱ دی ماه ۱۳۹۰) تا ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰) بیش از ۳۰۰ نفر توسط رژیم اعدام شده اند. البته تعداد واقعی این اعدامها قطعاً بیش از این موارد است زیرا ارقام اشاره شده تنها برابر آماری است که توسط رژیم اعلام گردیده است. قتلهای مخفی و کسانی که در زندانها و دخمه ها توسط اوپاش اسلامی به قتل میرسند جزو این آمارها محسوب نمیشوند.

رژیم اسلامی در پرونده خود قتل تعداد وسیعی از فعالین سیاسی و مخالفین را ثبت کرده است. این رژیم سمبل جنایت علیه بشریت است. برای پایان دادن به اعدام باید این رژیم را سرنگون کرد. باید از تکرار جنایت و کشتار و انتقام و قصاص عبور کرد. این "عدالتخواهی" قرون وسطایی را باید به تاریخ سپرد. باید در فردای ایران جامعه ای را سازمان داد که در آن زمینه های جرم و جنایت ریشه کن شود.*

کارگران شرکت آراین فرایند اشتهازد کرج یکماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، هم اکنون با گذشت ۵ روز از پایان ماه خبری از پرداخت دستمزدهای بیش از ۳۰ نفر از کارگران شرکت تولید کننده لوازم خودرو آراین فرایند نیست. با توجه به افزایش روزافزون موج گرانی و تورم و در عین حال بازگشایی مدارس، بعلت عدم پرداخت دستمزدها کارگران و خانواده هایشان برای تامین مایحتاج ابتدایی زندگیشان بشدت تحت فشار و منگنه مالی قرار گرفته اند. در چند روز اخیر کارگران معترض در تماسهای مکرر با عوامل کارفرما خواهان دریافت دستمزدهایشان شدند. اما در جواب عوامل کارفرما نه تنها اقدامی در جهت پرداخت دستمزدها انجام نداده اند بلکه با گستاخی و پررویی طلبکار هم شده اند. کارفرما در جواب کارگران گفته است: خیالتان راحت باشد، حالا حالا خبری از پرداخت دستمزدهایتان نیست، برای من قبضهای چند میلیون آب و برق و گاز و تلفن آمده است. ما فعلاً حتی توان پرداخت این قبض ها را نداریم چه رسد به دستمزدهای شما. کارفرما اعلام داشته است با توجه به عمق بحران و ورشکستگی مالی ما به ناچار در آینده نزدیک مجبور به تعدیل نیرو خواهیم بود. پس از همین حالا کارگران برای روز موعود بیکاری و اخراج آماده باشند.

حکومت غارتگران اسلامی با سیاست حذف سوبسیدها مجموعه هزینه های زندگی را چندین برابر افزایش داده است. با صدور قبض های چند میلیونی آب و برق و گاز و تلفن پولهایی هنگفت و میلیاردری به جیب آخوندها و سران حکومت اسلامی سرازیر میشود. این پولهایی باد آورده توسط حکومت اسلامی برای ادامه کاری جنایت و شکنجه و دزدی و فساد مالی بکار گرفته میشود و هزینه این همه گند و کثافت سرمایه داران و حکومتشان به بهای نابودی و فقر و گرسنگی بیشتر و انهدام خانواده های کارگری هموار میشود.

شرکت آراین فرایند واقع در اشتهازد کرج با بیش از ۳۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی و ساعت کاری از ۸ صبح تا شب! و اضافه کاری اجباری بنا بر نیاز کارفرما، تولید کننده انواع لوازم جانبی خودرو از جمله بخاری و برف پاک کن میباشد.

لازم به یاد آوریم هم اکنون بیش از ۴۰۰۰ کارگاه و کارخانه صنعتی در منطقه اقتصادی صنعتی اشتهازد کرج بعلت سیاست حذف سوبسیدها از جانب حکومت اسلامی، فساد مالی سرمایه داران، محاصره اقتصادی و عدم توان رقابت محصولات این مراکز با محصولات مشابه که بطور ارزان تر از کشورهای دیگر از جمله چین وارد میشود، به حالت نیمه تعطیل و ورشکسته در آمده و در حال حاضر زندگی و معیشت هزاران کارگر شاغل و خانواده هایشان در این مراکز بعلت عدم پرداخت دستمزدها و خطر اخراج و بیکاری در مخاطره جدی قرار گرفته است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ مهر ۱۳۹۰ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱

حضور فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تجمع اعتراضی تورنتو بر علیه قطع خدمات اجتماعی در کانادا

دنیای دورانی تاریخساز و پرتلاطمی را از سر می گذرانند. دورانی که بحران اقتصادی تمامی دول سرمایه داری جهان را به گونه و ابعاد مختلف در بر گرفته است. در ژرفای این بحران ما

مشغول آنند. هجوم به وضعیت معیشتی مردم، بیکار سازی، بیخانمانی و قطع پی در پی خدمات اجتماعی عرصه را بر کارگران و مردم زحمتکش کانادا تنگ کرده است.



در این راستا در تاریخ ۲۶ سپتامبر تعدادی از سازمانها و فعالین سیاسی اجتماعی فراخوان اعتراضی بر علیه سیاستهای دست راستی و مزورانه دولت هارپر و شهردار متبوعش راب فورد ترتیب دادند. این تجمع اعتراضی در سیتی هال تورنتو با حضور چند هزار نفر صورت گرفت. فعالین سیاسی و اجتماعی مختلفی در این تجمع سخنرانی کرده و خواستار جلوگیری از قطع خدمات اجتماعی در تورنتو شدند. مردم شعار میدادند: "ما برای فروش نیستیم"، "فورد میگه صرفه جوئی، ما میگی مقابله میکنیم" و "شهر مال کیه، شهر مال ماست".

شاهد تلاش سبانه حکومتیهای سرمایه داری برای برون رفت از بحران هستیم. سیاست های استثمارگر ایانه نظام سرمایه داری از اروپا و آمریکا تا خاورمیانه و شمال آفریقا و کشورهای فقر زده، همه تلاش حاکمان زور و سرمایه است که هدفی جز گذاشتن بار بحران اقتصادی روی دوش طبقه کارگر ندارند و این سیاست را بوسیله گسترش فقر و فلاکت، بیخانمانی، بیکاری، قطع خدمات اجتماعی و کاهش و انجماد دستمزدها پیش میبرند.

از طرف دیگر کارگران و توده های زحمتکش و ستمدیده در نقاط مختلف دنیا با اعتراضات گسترده خود به مقابله برخاسته اند. دوره بیدار شدن و به خود آمدن و عروج اعتراضات میلیونی و گسترده را شاهد هستیم و جنبشهایی عظیم برای عقب راندن و به زیر کشیدن حکومتیهای سرمایه داری بمیدان آمده اند. کانادا با دولت دست راستی استنفان هارپر هم همان کاری را میکند که اسلاف او در دیگر جاهای دنیا



اگر میخواهیم بی خانمانی نباشد، اگر میخواهیم آموزش و بهداشت و دیگر خدمات اجتماعی رایگان و در اختیار همه به طور یکسان قرار گیرد، تنها و تنها یک راه حل وجود دارد: نابودی نظام سرمایه داری و برقراری نظام سوسیالیستی.

این تجمع با خواندن ترانه ای که در ارتباط با این اعتراض سروده شده بود به پایان رسید.

حاضرین روبرو شد. خانمی از ایده نوشتن این شعارها و آوردنش در این تجمع ابراز خوشحالی کرد. تعدادی دیگر از تجمع کنندگان خواستار حمل بنر شدند و تمامی مدت تجمع آن را دست بدست بر افراشته نگه داشتند. سپس یکی از سخنرانان از تجمع کنندگان خواست که همه در یک زمان به شهردار تورنتو پیام به صورت تکست بفرستند و اعتراض خود به قطع خدمات اجتماعی را اعلام کنند.



در این تجمع اعتراضی فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری با استفاده از بلندگو مرتباً شعار مرگ بر سرمایه داری و زنده باد سوسیالیسم سر میدادند و با شعارها و بنر حزب بر این واقعیت تاکید میکردند که اگر میخواهیم فقر نباشد، اگر میخواهیم بیکاری نباشد،

مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات کانادا



فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری با برافراشتن بنر "مرگ بر سرمایه داری و زنده باد سوسیالیسم" با تصویر کارل مارکس در این اعتراض شرکت کردند. این شعار با استقبال و توجه قابل ملاحظه



برای اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس بگیرید:

۰۱۷۴۷۳۲۸۶

nasrin_ramzanali@yahoo.com

برای آشنایی با حزب اتحاد کمونیسم کارگری
برای آشنایی با فعالان حزب
برای آشنایی و دسترسی به ادبیات حزب
برای آخرین اخبار و گزارشات
برای آشنایی با فعالانهای حزب
برای همکاری با حزب

در جلسه خانه حزبی در کلن شرکت کنید!

www.wupiran.org

اطلاعیه خبری

واحد گوتنبرگ حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمنظور تسهیل
گردهم آبی اعضای و دوستانان حزب اولین جلسه خانه حزب
در گوتنبرگ را برگزار می کند. در خانه حزب مجموعه آثار
منصور حکمت، ادبیات و نشریات حزب قابل دسترس است.
شرکت برای عموم آزاد است
جهت اطلاع بیشتر با تلفن 0722646474 یا ایمیل زیر
تماس بگیرید. cina_1977@yahoo.com

زمان: سه شنبه 4 اکتبر 2011

از ساعت 18 تا 20.30

مکان: Linne gatan 21,

viktoriahuset, Medusahuset

با اسپورهای 1 و 6 ایستگاه

آزادی برابری، حکومت کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد گوتنبرگ سوند

کارگران شرکت توسعه و تامین پرشیا

سه ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، تا روز دوم مهر ماه بیش از 30 نفر از کارگران شرکت توسعه و تامین پرشیا دستمزدهای 3 ماهه گذشته تیر و مرداد و شهریور ماه خود را دریافت نکرده اند. اعتراضات مکرر و پیگیریهای تاکنونی کارگران برای دریافت دستمزدهای معوق عملا بی نتیجه بوده و "نعمت زاده" مدیر شرکت و عواملش به طرق مختلف و توجیهاتی از قبیل بی پولی و ورشکستگی شرکت و در عین حال با تهدید کارگران به اخراج از پرداخت دستمزدها طفره میروند.

یکی از کارگران میگوید: در این شرکت 20 سال سابقه کار دارم اما هنوز بطور قراردادی و موقت کار میکنم. در این سالها هر روز را که به شب رسانده ام با اضطراب و دلهره همراه بوده است، ترس از اینکه شاید همین امروز از کار اخراج کنند. این از امنیت شغلی. دستمزدهایمان هم که معلوم است ماهی 300 هزار تومان که البته این 300 تومان هم هیچگاه به درستی و بموقع پرداخت نمیشود. تازه با این 300 هزار تومان که حالا چندین برابر زیر خط فقر هم هست اگر به دستت برسد باید به جنگ گرانی و تورم بروی. یارانه ها را حذف کرده اند، قیمت اجناس هر روز بالا میروند. هر کالای مورد نیاز از شیر و لبنیات و نان گرفته تا همه چیز امروز یک قیمت دارد فردا قیمت دیگری. فشار اقتصادی، فقر و نداری، گرسنگی و بیکاری، اعتیاد و تن فروشی و کلیه فروشی و انواع مصیبت دیگر وضع ما کارگران است. اما وضع از ما بهتران فرق میکند. آنها حقوق شان سر به فلک میزند و دزدیهای میلیاردی میکنند. میگویند 3 هزار میلیارد تومان دزدی شده! مگر این آقای امیر منصور آریا از آسمان آمده این جا؟ تازه 3 هزار میلیارد تومان یک قلم است که از دستشان در رفته و رو شده. دزدیهای میلیاردی و ثروتهای افسانه ای که سران حکومت اسلامی در این 32 سال به جیب زده اند، به قیمت همین فقر و محرومیت، بیکاری و گرسنگی، استعمار و سرکوب ما کارگران حاصل شده است.

شرکت توسعه و تامین پرشیا واقع در کیلومتر 8 جاده مخصوص کرج با 30 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای یکساله و سابقه کاری از 1 تا 25 سال و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و انجام اضافه کار اجباری بنا بر نیاز کارفرما سازنده انواع تابلوهای برق و سیستمهای ابزار دقیق کنترل برق در صنایع پتروشیمی میباشد. لازم به یاد آوریست در این مرکز قبلا 300 نفر مشغول به کار بودند که به دلیل ورشکستگی و فساد مالی تاکنون اکثریت کارگران از کار اخراج و بیکار شده اند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳ مهر ۱۳۹۰ - ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۱

زنده باد شوراها

ارگانه‌های اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزرگ کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانه‌های مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانه‌ها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانه‌های قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید سرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



10 October 2011

International Day against Capital Punishment

Let us turn 10th October
into an international day against Islamic Republic of Iran!

10th October is the International Day against Capital Punishment. The Islamic Republic of Iran has executed and murdered hundred thousands of people. The Islamic regime has sustained its existence by suppressing people and massacring the opposition. Capital punishment is the tool used by states like Iran to control and suppress people.

"Capital punishment is the state's terminology for murder. Individuals murder each other, but states sentence individuals to 'capital punishment'. The demand to end capital punishment and prohibit murder stems from opposition to intentional, deliberate and planned murder of one by the other. That a state or ruling political force is responsible does not make the slightest difference to the fact that we are dealing with intentional murder. Capital punishment is the most deplorable and appalling form of intentional murder since a political authority, publicly, with prior notice, on behalf of society, with utmost legitimacy and ruthlessness, decides to murder someone, and announces the date and time of the event." Mansoor Hekmat (www.m-hekmat.com).

Worker-communism Unity Party is urging all to condemn capital punishment every where and unit in solidarity with the workers and people of Iran to condemn Islamic Republic. This is the regime of hundred thousand executions and is hated by millions. The only way to put an end to capital punishment in Iran is to overthrow the Islamic Republic. Join us in our days of action against capital punishment.

England
Trafalgar Sq.
London
10th Oct 2011
Time: 15-17

Sweden:
Järntorget
Gothenburg
10 Oct. 2011
Time: 17-18

NETHERLANDS:
Dutch Parliament building Hague
(Den Haag)
10 OCT. 2011
TIME: 13-15

**Down with Islamic regime!
Freedom, Equality, Workers' State!
Long Live Socialism!**

Worker-communism Unity Party - Committee Abroad
www.wupiran.org kousha.maryam@gmail.com



سخنرانی آذر ماجدی در
باره اوضاع سیاسی منطقه
و ایران را ببینید

http://www.youtube.com/watch?v=VW7I8lYkRC0&feature=player_embedded#!

زنده باد جنبش مجامع عمومی!

زنده باد شوراهای کارگری!

**کارگران! در اعتراضات جاری به مجمع
عمومی متکی شوید! مجمع عمومی تجمع
طبیعی و ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر
توده کارگران است!**

برده داری مزدی مدرن مرگ تدریجی میلیون ها انسان ...

کنند و بخاطر فشار کار روزانه 15-16 ساعت، بدون استراحت و محیط سربازخانه ای زیست دست به خودکشی می زنند، بر هر آیفون و آی پدی لکه خون می پاشد.

این داستان سرمایه داری است. نه اولین بار است و نه آخرین بار خواهد بود. تا زمانی که سرمایه داری بر جهان حکمفرما است، میلیون میلیون انسان هر روزه به مرگ تدریجی محکوم می شوند؛ به زندگی سخت و حقارت بار؛ به گرسنگی و تبعیض؛ به خودکشی و مرگ زودرس. تا سرمایه داری بر جهان حکمفرما است میلیون ها کودک جلوی چشمانمان پریز می شوند و ما سری تکان می دهیم و بیشتر از سابق می کوشیم بچه های خودمان را از این خطر برهانیم.

آیا بجز این انتخاب دیگری نداریم؟ چرا! باید به صفوف مبارزین علیه سرمایه داری پیوست.

هر انسانی که قلبش از درد و تبعیض، از بی حقوقی و تحقیر انسان ها، از فقر و گرسنگی، از استثمار و اجبار به بردگی بدرد می آید، راهی بجز تلاش برای سرنگونی سرمایه داری و لغو کار مزدی، لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید ندارد. تنها پاسخ این بردگی مدرن، تنها راه پایان دادن به این شرایط برده وار و ضد انسانی پایان دادن به حیات و تسلط سرمایه داری بر سرنوشت و زندگی ما است. کمونیسم کارگری تنها پاسخ است.*

28 سپتامبر 2011

یورو با احترام و عشق بیشتری حرف می زنند.

این چهره کثیف جامعه سرمایه داری را همه می شناسند. عده ای آنرا ضروری می دانند؛ عده ای اجتناب ناپذیر؛ عده ای نیز مستاصل اند. در ماهیت امر استثمار وحشیانه در هر محیط کاری یکسان است. ارزش مصرف کالای تولید شده هیچ تاثیری در میزان نرخ استثمار ندارد. چه تانک تولید شود چه عروسک، چه کامپیوتر تولید شود چه بیسکویت، چه عطر تولید شود چه یخچال، میزان نرخ استثمار تفاوتی نمی کند. اما چرا برخی شرایط استثمار در جراید منعکس می شود و برخی ناگفته به دوسیه ها سپرده می شود؟

کنتراست زندگی تولید کنندگان مستقیم یک کالای معین با مصرف کنندگان آن کالا آنچنان تو ذوق می زند که در اذهان حک می شود. ژورنالیسم دنبال مشتری بدو نیز این موضوع را بعنوان یک ماجرای جنجال برانگیز منعکس می کند!

انتشار گزارش مربوط به دختران جوانی که بخاطر دوختن لباس های مد روز از حال می روند، بیمار و معلول می شوند و یا جان می بازند، همان تاثیر داستان معروف "دختر کبریت فروش" را دارد. مرد جوانی که ریه هایش آب می آورد و در سی سالگی از کار افتاده است به این علت که برای مردان و زنانی که دستشان به دهن شان می رسد، شلوار جین کهنه تولید می کرده، شلواری که براحتی بالای صد دلار به فروش می رسد، کثافت نظام سرمایه داری را با کنتراست بیشتری جلوی چشمانمان می گذارد. جوانان هیجده- بیست ساله ای که در چین آیفون و آی پد تولید می

برده داری مزدی مدرن مرگ تدریجی میلیون ها انسان!

آذر ماجدی



مراقبتی 6 روز در هفته و 12 ساعت در روز کار می کرده است. در این روش سیلیکم مورد استفاده قرار می گیرد که ذرات آن وارد ریه می شود و موجب تورم ریه و آب آوردن آن می گردد که به بیمار تنگی نفس شدید می دهد و میزان اکسیژن در خون را کاهش می دهد.

حدود سه ماه پیش گزارش دلخراشی راجع به کارگران شرکت کنتراتی اپل (Apple) در چین خواندم، کارخانه ای که برای اپل آیفون و آی پد تولید می کند. وضعیت اسفناک کاردها تن از کارگران جوان این کارخانه را به خودکشی کشانده است. زمانی که تعداد خودکشی ها بالا رفت، سر و صدای آن در رسانه ها پخش شد و توجه را تا حدودی به وضعیت این کارگران که متوسط سنی شان 22 سال است جلب نمود. تنها کاری که صاحب شرکت، اهل تایوان و پولدارترین مرد چین، انجام داد، زیر پنجره های کارخانه و محل زیست کارگران تور گذاشت که در صورتی که کارگری خود را از بالکن به پایین پرتاب کرد، کشته نشود. فقط همین.

این ها فقط چند نمونه کوچک، بقولی قطره ای از اقیانوس استثمار وحشیانه کارگران در کشورهای محل کار ارزان است. این یک واقعیت عیان است که در بخش وسیعی از دنیا میلیون ها انسان به وحشیانه ترین شکلی استثمار می شوند. میلیون ها کودک حتی در سنین پنج شش سالگی به کار برده وار مزدی کتیده شده اند. کار مزدی برای این انسان ها حکم مجازات اعدام تدریجی دارد. بسیاری از این کودکان حتی به سن بالای بیست سال هم نمی رسند. این واقعیت عیانی است که بخش های کوچکی از آن توسط نهادهای "کارگری" بین المللی، از قبیل فدراسیون های اتحادیه های کارگری یا سازمان بین المللی کار برملا می شود. در بسیاری موارد این سازمان های بین المللی اتحادیه ای از زاویه بهبود شرایط این

شود، یک روش بسیار خطرناک و مضر برای سلامت است. این روش در سال 1950 در انگلستان ممنوع شد و مقامات اروپایی آنرا در سال 1966 ممنوع کردند. اما استفاده از آن در کشورهای منطقه کار ارزان همچنان ادامه دارد؛ کارگران در این کشورها با دست این کار را انجام می دهند. کار با این روش به بیماری غیرقابل علاج ریوی بنام سیلیکوسیس می انجامد. اما علیرغم این مساله، جین های رنگ و رو رفته توسط کمپانی ها مد تبلیغ می شود و بازار گرمی در جهان دارد و به قیمت های بالا بفروش می رسد.

طبق گزارش فدراسیون کارگران نساج، پوشاک و چرم، فقط در ترکیه، که این روش در دهه اخیر مورد استفاده قرار گرفته است، تاکنون در 600 کارگر بیماری سیلیکوسیس تشخیص داده شده که 46 نفر آنها جان سپرده اند. و پیش بینی می شود که در پنج سال آینده تعداد مبتلایان به این بیماری به پنج هزار برسد. یک کارگر مقیم استانبول که به این بیماری مبتلا شده بنام یلماز، مردی 31 ساله که کاملاً از کار افتاده است، به فدراسیون گفته است که بین سالهای 2002 و 2005 برای تعدادی از مارک های بزرگ مد ایتالیا جین ها را سنبندست می کرده است. او در یک کارگاه 2 متر در 2 متر بدون هیچگونه هواکش و بدون لوازم ایمنی و

روزنامه ایندیندنت را ورق میزد. به صفحاتی رسیده بودم که مورد توجه ام نبود. اتفاقی در پایین صفحه چشم به یک تیتر خورد: "صدها کارگر در کارخانه لباس دوزی اچ اند ام در کامبوج از حال رفتند." گزارش را خواندم، در دو روز نزدیک به 300 کارگر در کارخانه های لباس دوزی از حال رفته اند. طبق گفته نمایندگان اتحادیه کارگری، کارگران از سرگیجه، سردرد و تنگی نفس شکایت می کرده اند. محوطه کارخانه بسیار گرم است و بوی مشمئز کننده ای که از نهر آب مجاور فضای کارخانه را پر کرده بعلاوه دود کارخانه، شرایط را غیر قابل تحمل کرده است. بیماری کارگران به شرایط بسیار بد و غیر بهداشتی کارخانه نسبت داده شده است. سازمان بین المللی کار علت بیهوش شدن کارگران را سوءتغذیه نامیده است. محصولات پوشاکی اکثر شرکت های بزرگ و مزین های مدهای در کشورهای محل کار ارزان تولید می شود. بطور مثال پوشاک عرضه شده توسط شرکت های زیر در کامبوج تولید می شود: اچ اند ام، مارکز اند اسپنسر، زارا و تسکو.

(H&M, Marks and Spenser, Zara and Tesco)

ماه پیش گزارش دیگری خواندم در مورد مرگ کارگران پوشاک در کشورهایی که عمده پوشاک بوتیک ها و کمپانی های بین المللی در آنجا تولید می شود، از جمله ترکیه و بنگلادش. تکنیک "سند بلستینگ" که برای کهنه جلوه دادن شلوار جین استفاده می

میلیونها انسان نیست که این گزارش ها را تهیه می کنند، از زاویه ناسیونالیسم و حفظ کار کارگر "خودی" است که این فجایع را برملا می کنند.

تمام کارگران و مردم زحمتکش، بورژوازی و مردم عادی دیگری که کمی از دنیا مطلع باشند می دانند که میلیون ها انسان هر روزه به پرتگاه مرگ فرستاده می شوند، یا در معدن کشته می شوند، یا آوار روی سرشان می ریزد، یا محیط مسموم کار از کارشان می اندازد، یا در سنین پایین سرطان و بیماری های ریوی و روماتیسم شدید می گیرند، یا از سوء تغذیه جان می بازند. تعداد مرگ و میر کارگران در پهنای دنیا از تعداد آدم هایی که در اثر جنگ جان می بازند بسیار بیشتر است. تعداد این قربانیان بردگی مزدی مدرن طی یک سال از انسان هایی که حتی در سونامی وحشتناک چند سال پیش جان باختند، حادثه ای که دنیا را تکان داد و قلب های همه انسان دوستان را بدرد آورد، بسیار بیشتر است. اما گزارش مرگ و میر کارگران بر اثر حوادث محیط کار یا بیماری هایی که بخاطر شرایط محیط کار به آن مبتلا شده اند، در دوسیه های نهاد های بین المللی در کابینه خاک می خورد. کارگران جان باخته به تعدادی عدد و رقم تبدیل می شوند و در بهترین حالت اتحادیه های کارگری بر سر کم کردن تعداد کشته شدگان به میزان 10 درصد یا 40 درصد صحبت می کنند. در مورد دلار و

صفحه ۱۵

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!